راه‌های حفظ نشاط در خانواده



زندگی خانوادگی همواره با دشواری‌ها و فرازونشیب‌هایی همراه است که یکی از مهم‌ترین آنها، مشکلات اقتصادی و مالی است. بر این اساس، پرسش اساسی آن است که آیا مشکلات مالی می‌تواند توجیهی برای از میان رفتن شادی و نشاط در خانواده باشد، یا آنکه اعضای خانواده می‌توانند از آن جلوگیری کنند؟ برای روشن شدن این موضوع نکاتی را تقدیم می‌کنیم.

۱.آرامش خانوادگی، نعمتی فراتر از ثروت مادی

قرآن کریم در تبیین فلسفه تشکیل خانواده می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛ و از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما دوستی و رحمت قرار داد.»[۱] این آیه، آرامش، محبت و رحمت را از مهم‌ترین ابعاد پیوند زناشویی معرفی می‌کند. بر اساس این آموزه، ارزش خانواده را نمی‌توان تنها با درآمد و دارایی سنجید. ممکن است خانواده‌ای از امکانات اقتصادی محدودی برخوردار باشد، اما به سبب همدلی و محبت، محیطی سرشار از آرامش داشته باشد؛ در مقابل، برخورداری از ثروت فراوان نیز لزوماً تضمین‌کننده آرامش خانوادگی نیست. بنابراین، مشکلات مالی می‌تواند آرامش خانواده را تحت تأثیر قرار دهد، اما نباید اجازه داد که این مشکلات، اصل محبت و رحمت میان اعضای خانواده را از بین ببرد.

۲.دشواری اقتصادی، مجوز بی‌توجهی به حقوق اعضای خانواده نیست

در شرایط دشوار اقتصادی، گاهی فشارهای روانی موجب می‌شود که افراد از انجام مسئولیت‌های عاطفی خود فاصله بگیرند، با همسر و فرزندان تندخو باشند یا نیازهای روحی آنان را نادیده بگیرند. بااین حال، تنگنای مالی نباید به توجیهی برای تحقیر، سرزنش یا محروم ساختن اعضای خانواده از احترام و محبت تبدیل شود. هرچند مشکلات اقتصادی ممکن است توانایی فرد را در تأمین برخی خواسته‌های مادی محدود سازد، اما می‌توان با گفت‌وگوی محترمانه، توجه عاطفی، خوش‌رفتاری و پرهیز از خشونت، حقوق انسانی و عاطفی همسر را رعایت کرد.

۳. صبر در برابر مشکلات، زمینه‌ساز پایداری خانواده

صبر، از فضائل بنیادین اخلاق اسلامی و از عوامل مهم پایداری انسان در مواجهه با دشواری‌هاست. خانواده‌ای که با بحران اقتصادی روبه‌رو می‌شود، برای عبور از این شرایط به بردباری، خویشتنداری و پرهیز از تصمیم‌های

یکی از عواملی که می‌تواند مشکلات اقتصادی را تشدید کند، مقایسه دائمی زندگی خود با دیگران است. مشاهده رفاه دوستان، بستگان یا افراد حاضر در شبکه‌های اجتماعی ممکن است احساس محرومیت و نارضایتی را افزایش دهد؛ حتی اگر خانواده از امکانات لازم برای زندگی برخوردار باشد.

شتاب‌زده نیاز دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ بی‌تردید، شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب دریافت خواهند کرد.»[۲]

صبر در این زمینه، به معنای تسلیم شدن در برابر فقر یا چشم‌پوشی از تلاش برای بهبود شرایط نیست؛ بلکه به معنای حفظ تعادل رفتاری و اخلاقی در دوران سختی است. برای مثال، هنگامی که درآمد خانواده کاهش می‌یابد، همسران می‌توانند به جای متهم کردن یکدیگر، با آرامش درباره اولویت‌های اقتصادی گفت‌وگو کنند و از تبدیل فشار مالی به نزاع‌های مکرر جلوگیری نمایند. بنابراین، صبر زمانی سازنده است که با تدبیر، تلاش و مسئولیت‌پذیری همراه باشد.

۴. قناعت، راهی برای کاهش فشارهای روانی ناشی از مقایسه

یکی از عواملی که می‌تواند مشکلات اقتصادی را تشدید کند، مقایسه دائمی زندگی خود با دیگران است. مشاهده رفاه دوستان، بستگان یا افراد حاضر در شبکه‌های اجتماعی ممکن است احساس محرومیت و نارضایتی را افزایش دهد؛ حتی اگر خانواده از امکانات لازم برای زندگی برخوردار باشد.

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ؛ قناعت، ثروتی است که پایان نمی‌پذیرد.» نیز فرمود:«كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكاً، وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيماً. وَ سُئِلَ(ع) عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً»، فَقَالَ: هِيَ الْقَنَاعَةُ؛ با قناعت می‌توان پادشاهی کرد و با خوش‌اخلاقی در نعمت و ناز به سر برد. از امام درباره تفسیر آیه (فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً) سؤال کردند فرمود: «منظور قناعت است.»[۳] از این رو، خانواده‌ای که به جای تمرکز دائمی بر

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: قناعت، ثروتی است که پایان نمی‌پذیرد.»

نداشته‌ها، از نعمت‌های موجود نیز بهره می‌برد، می‌تواند بخشی از فشار روانی ناشی از مشکلات اقتصادی را کاهش دهد.

۵. خوش‌رفتاری و گشاده‌رویی، از عوامل حفظ نشاط خانوادگی

نشاط خانوادگی تنها به تفریح‌های پرهزینه یا امکانات رفاهی وابسته نیست. بسیاری از جلوه‌های شادی در خانواده، از رفتارهای ساده‌ای مانند لبخند، گفت‌وگوی صمیمانه، قدردانی و توجه به نیازهای عاطفی یکدیگر شکل می‌گیرد. انسان می‌تواند مشکلات و نگرانی‌های خود را جدی بگیرد، اما در عین حال بکوشد آنها را به بدرفتاری با نزدیکان تبدیل نکند. البته گشاده‌رویی به معنای پنهان کردن اجباری رنج‌ها نیست. اعضای خانواده باید بتوانند درباره نگرانی‌های خود صحبت کنند و از حمایت یکدیگر بهره ببرند.

۶. همکاری و همدلی همسران، جایگزین سرزنش و تقابل

در شرایط دشوار اقتصادی، گاهی هر یک از همسران دیگری را مسئول مشکلات می‌داند. این وضعیت ممکن است به شکل‌گیری فضای تقابل، کاهش اعتماد و تضعیف پیوند عاطفی منجر شود. درحالی که خانواده برای عبور از بحران، بیش از هر چیز به همکاری اعضای خود نیاز دارد. تقسیم مسئولیت‌ها، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مالی، گفت‌وگوی صادقانه درباره درآمد و هزینه‌ها و پرهیز از سرزنش، نمونه‌هایی از همکاری سازنده‌اند.

برای مثال، اگر درآمد خانواده برای تأمین همه خواسته‌ها کافی نباشد، همسران می‌توانند اولویت‌های مشترک خود را مشخص کنند، هزینه‌های غیرضروری را کاهش دهند و برای افزایش درآمد یا مدیریت بدهی‌ها برنامه‌ای واقع‌بینانه تدوین کنند. در این رویکرد، مسئله اصلی یافتن مقصر نیست، بلکه یافتن راه حل مشترک است.

صبر در برابر دشواری‌ها، قناعت در مصرف، پرهیز از اسراف، خوش‌رفتاری و توجه به نیازهای عاطفی همسر و فرزندان، از جمله عواملی هستند که می‌توانند در حفظ نشاط خانوادگی مؤثر باشند. همچنین، توجه به شادی‌های ساده و کم هزینه، گفت‌وگوی صادقانه درباره مشکلات و مشارکت اعضای خانواده در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، به تقویت احساس همبستگی و کاهش تنش‌ها کمک می‌کند.

۷. پرهیز از اسراف و رعایت اعتدال در هزینه‌های زندگی

مدیریت صحیح منابع مالی، یکی از راه‌های پیشگیری از تشدید تنش‌های خانوادگی است. گاهی مشکلات مالی ناشی از عواملی خارج از اختیار خانواده است؛ اما در برخی موارد، ناهماهنگی در مصرف، خریدهای غیرضروری یا نداشتن برنامه اقتصادی نیز در ایجاد فشار مالی نقش دارد.

قرآن کریم در توصیف بندگان شایسته خداوند می‌فرماید: « وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ و کسانی که چون هزینه می‌کنند، نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سختگیری، بلکه میان این دو، راهی معتدل در پیش می‌گیرند.» [۴]

این آیه، اعتدال در هزینه کردن را از ویژگی‌های بندگان شایسته معرفی می‌کند. بر این اساس، نه اسراف و مصرف‌گرایی پسندیده است و نه سختگیری افراطی که نیازهای ضروری و متعارف اعضای خانواده را نادیده بگیرد. خانواده می‌تواند با تعیین بودجه، اولویت‌بندی هزینه‌ها و مشارکت اعضای بزرگسال در تصمیم‌گیری‌ها، از بخشی از تنش‌های قابل پیشگیری بکاهد.

۸. توجه به نیازهای عاطفی فرزندان، حتی در دوران تنگنای مالی

وقت‌گذرانی با فرزندان، شنیدن سخنان آنان، بازی‌های ساده خانوادگی و ابراز محبت، لزوماً به هزینه مالی نیاز ندارد. چنین رفتارهایی می‌تواند به حفظ پیوند عاطفی خانواده در دوران دشواری کمک کند.

نتیجه:

صبر در برابر دشواری‌ها، قناعت در مصرف، پرهیز از اسراف، خوش‌رفتاری و توجه به نیازهای عاطفی همسر و فرزندان، از جمله عواملی هستند که می‌توانند در حفظ نشاط خانوادگی مؤثر باشند. همچنین، توجه به شادی‌های ساده و کم هزینه، گفت‌وگوی صادقانه درباره مشکلات و مشارکت اعضای خانواده در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، به تقویت احساس همبستگی و کاهش تنش‌ها کمک می‌کند.

پی نوشت‌ها:

۱. روم، آیه ۲۱.

۲. زمر، آیه ۱۰.

۳.سیدرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، انتشارات هجرت، حکمت ۵۷ و ۲۲۹.

۴. فرقان، آیه ۶۷ .

* هادی خالصی‌مقدم

شبهه ها و پاسخ ها

معناشناسی صلوات بر پیامبر (ص)

شبهه: آیه ۵۶ سوره احزاب می‌فرماید: «خداوفرشتگان بر پیامبر صلوات می‌فرستند، ای مؤمنان شما نیز بر وی صلوات بفرستید و سلام کنید (تسلیم باشید).»

فرق صلوات خدا و فرشتگان با صلوات مؤمنان چیست؟ مراد از سلام چیست که در خدا و فرشتگان نیست، ولی در مؤمنان هست؟ و نیز: خدا دستور داده ما صلوات بفرستیم، ولی ما دوباره به خدا می‌گوییم که: خدا تو صلوات بفرست! (اللهم صل علی محمد و آل محمد)

پاسخ: آیه ۵۶ سوره احزاب، معروف به آیه صلوات، از صلوات خداوند و فرشتگان بر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سخن می‌گوید و سپس مؤمنان را به صلوات فرستادن بر ایشان و تسلیم بودن در برابر او فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَاالَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً؛ همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می‌فرستند.

ای اهل ایمان! بر او درود بفرستید و آن‌گونه که شایسته است، تسلیم او باشید.»

با تدبر در این آیه، پرسش‌هایی مطرح است: ۱. تفاوت صلوات خداوند با صلوات مؤمنان؛ ۲. مقصود از تسلیم بودن در برابر پیامبر؛ ۳. علت درخواست صلوات از خداوند به جای صلوات فرستادن مستقیم از سوی خودمان.

در این نوشتار به این سؤالات پاسخ می‌دهیم.

تفاوت صلوات خدا و فرشتگان با صلوات مؤمنان

درباره اینکه منظور از صلوات خداوند و فرشتگان چیست و این دو با صلوات مؤمنان چه تفاوتی دارند، شاهد اقوال مختلفی از سوی مفسران هستیم:

۱. صلوات خداوند رحمت الهی، صلوات فرشتگان تزکیه و ستایش حضرت و صلوات مردم دعا برای ایشان است؛[۱]

۲. صلوات خداوند مغفرت پیامبر و صلوات فرشتگان استغفار برای پیامبر خداست؛[۲]

۳. صلوات خداوند ثنای پیامبر در نزد فرشتگان و صلوات فرشتگان دعا کردن برای حضرت است؛[۳]

۴. صلوات خداوند تزکیه پیامبر و ثنا و تمجید از ایشان، صلوات فرشتگان مدح و ستایش حضرت و صلوات مردم دعا کردن و تصدیق فضائل ایشان و اقرار به آنهاست؛[۴]

۵. صلوات خداوند نشر خیر و نیکی حضرت و صلوات مردم دعا کردن برای ایشان است؛[۵]

۶. صلوات خداوند بزرگداشت، لطف، ترفیع مقام، بالابردن منزلت، ستایش و سایر مراتب اکرام اوست و صلوات فرشتگان درخواست همین امور از خداوند برای حضرت است؛[۶]

۷. صلوات خدا رحمت، صلوات فرشتگان رفعت مقام و صلوات امت متابعت و محبت است؛[۷]

۸. صلوات خدا رحمت فرستادن بر پیامبر و صلوات فرشتگان درخواست رحمت برای حضرت است.[۸]

اولاً صلوات را به هر معنایی که بگیریم، رحمت، مغفرت، تزکیه، ترفیع مقام و منزلت، ستایش و ثنا و...، اصل و سرچشمه آن از آنِ خداست. در حقیقت ما نه منبع رحمتیم و نه قدرت برکت‌دهی داریم و نه می‌توانیم مقام و منزلت حضرت را ارتقاء دهیم یا باعث تزکیه ایشان شویم؛ بنابراین، چطور می‌توانیم چیزی را که نداریم به دیگری ببخشیم؟!

بودن در برابر او فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَاالَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً؛ همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می‌فرستند.

ای اهل ایمان! بر او درود بفرستید و آن‌گونه که شایسته است، تسلیم او باشید.»

با تدبر در این آیه، پرسش‌هایی مطرح است: ۱. تفاوت صلوات خداوند با صلوات مؤمنان؛ ۲. مقصود از تسلیم بودن در برابر پیامبر؛ ۳. علت درخواست صلوات از خداوند به جای صلوات فرستادن مستقیم از سوی خودمان.

در این نوشتار به این سؤالات پاسخ می‌دهیم.

تفاوت صلوات خدا و فرشتگان با صلوات مؤمنان

درباره اینکه منظور از صلوات خداوند و فرشتگان چیست و این دو با صلوات مؤمنان چه تفاوتی دارند، شاهد اقوال مختلفی از سوی مفسران هستیم:

۱. صلوات خداوند رحمت الهی، صلوات فرشتگان تزکیه و ستایش حضرت و صلوات مردم دعا برای ایشان است؛[۱]

۲. صلوات خداوند مغفرت پیامبر و صلوات فرشتگان استغفار برای پیامبر خداست؛[۲]

۳. صلوات خداوند ثنای پیامبر در نزد فرشتگان و صلوات فرشتگان دعا کردن برای حضرت است؛[۳]

به باور مفسران، صلوات خداوند ناظر به رحمت، مغفرت، رفعت مقام، بزرگداشت و ستایش پیامبر است، اما صلوات فرشتگان و همچنین مؤمنان به معنای درخواست این امور از خداوند برای پیامبر خدا است.



هرچند این دو معنا در بدو امر متفاوت از هم به نظر می‌رسد، اما می‌توان آنها را به معنایی مشترک بازگرداند و آن، تسلیم زبانی و عملی در برابر پیامبر خداست؛ زیرا کسی که بر پیامبر سلام می‌فرستد و از خداوند سلامت او را درخواست می‌کند، به ایشان محبت می‌ورزد و او را پیامبری می‌داند که اطاعت از او واجب است و باید در مقابل او تسلیم و مطیع بود.[۱۳]

چرا به جای اینکه خودمان بر پیامبر درود بفرستیم، از خدا می‌خواهیم درود بفرستد؟

خداوند پس از بیان اینکه خود و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، به مؤمنان دستور می‌دهد که آنان نیز بر ایشان صلوات بفرستند؛ اما ما به جای اینکه خودمان بر پیامبر درود بفرستیم، از خدا می‌خواهیم که این کار را انجام دهد. پرسش این است که ما چرا از خدا می‌خواهیم بر پیامبر درود بفرستد و خودمان صلوات نمی‌فرستیم؟ پاسخ این است که:

- اولاً صلوات را به هر معنایی که بگیریم، رحمت، مغفرت، تزکیه، ترفیع مقام و منزلت، ستایش و ثنا و...، اصل و سرچشمه آن از آنِ خداست. در حقیقت ما نه منبع رحمتیم و نه قدرت برکت‌دهی داریم و نه می‌توانیم مقام و منزلت حضرت را ارتقاء دهیم یا باعث تزکیه ایشان شویم؛ بنابراین، چطور می‌توانیم چیزی را که نداریم به دیگری ببخشیم؟! «ذات نایافته از هستی بخش... کی تواند که شود هستی بخش؟!» حتی بالاتر ما خودمان با صلوات فرستادن بر پیامبر به دنبال کسب رحمت الهی هستیم؛[۱۴]

- ثانیاً درود فرستادن بر کسی به تناسب مقام و عظمت اوست.

مقام پیامبر و مرتبه قرب الهی ایشان آن‌قدر والاست که از عهده ما خارج است که حقِ این درود را ادا کنیم؛ لذا از خدا می‌خواهیم که حقِ درود ایشان را به جای آورد.

بنابراین، این سخن، نه مخالفت با تکلیف، بلکه اوج بندگی است؛ چرا که مؤمن با گفتن «اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد» اعتراف می‌کند که حقیقت برکت و رحمت از او نیست و نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته پیامبر خداست، او را تکریم کند.

نتیجه

۱. به باور مفسران، صلوات خداوند ناظر به رحمت، مغفرت، رفعت مقام، بزرگداشت و ستایش پیامبر است، اما صلوات فرشتگان و همچنین مؤمنان به معنای درخواست این امور از خداوند برای پیامبر خدا است؛

۲. تعبیر «سلّموا تسلیما» در این آیه به قرینه مشابه همین تعبیر در آیه ۶۵ سوره نساء، بر لزوم تسلیم و منقاد بودن در مقابل پیامبر خدا و فرمانبری از اوامر و نواهی ایشان دلالت دارد؛

۳. علت اینکه ما خودمان بر پیامبر صلوات نمی‌فرستیم و از خدا می‌خواهیم این کار را انجام دهد، این است که صلوات به هر معنایی که باشد، رحمت، مغفرت، رفعت مقام و...، ما خودمان از آن بهره‌ای نداریم تا به دیگری ببخشیم؛ پس صلوات ما به ناچار باید به صورت دعا و درخواست از خدا انجام شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، مصحح: هاشم رسولی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۳۰۲: «مَا مَعْنَى صَلَاةِ اللهِ وَ صَلَاةِ مَلَائِكَتِهِ وَ صَلَاةِ الْمُؤْمِنِ؟ قَالَ: صَلَاةُ اللهِ رَحْمَةٌ مِنَ اللهِ، وَ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ تَزْكِيَةٌ مِنْهُمْ لَهُ، وَ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ دُعَاءٌ مِنْهُمْ لَهُ.» والحدیث طویل أخذنا منه موضع الحاجه.

۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحیاءالتراث‌العربی، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق، ج ۳، ص ۵۰۶؛ قیروانی، یحیی بن سلّام، تفسیر یحیی بن سلّام، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۷۳۶؛ سمرقندی، نصر، تفسیرالسمرقندی‌المسمی بحرالعلوم، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۷۲.

۳. مجاهد بن جبر، تفسیر مجاهد، مصر، دارالفکرالإسلامی‌الحدیثه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۵۵۲.

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، محقق: طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ق، ج ۲، ص ۱۹۶.

۵. اخفش، سعید بن مسعده، معانی‌القرآن، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۲۶۹.

۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، بیروت، دار إحیاءالتراث‌العربی، چاپ اول، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۵۹.

۷. سلمی، محمد بن حسین، حقائق‌التفسیر، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۱۵۰.

۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب‌الإسلامیه، چاپ ۱۰، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۷، ص ۴۱۶.

۹. ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار، تفسیرالقرآن‌الکریم، بیروت، دارالمفید، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۳۷۲؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۶؛ تفسیرالسمرقندی، ج ۳، ص ۷۲؛ دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب‌المسمی‌الواضح فی تفسیرالقرآن الکریم، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص ۱۸۱.

۱۰. عاشور، علی، تفسیر أمیرالمؤمنین للقرآن‌الکریم، بیروت، مرکزالشرق‌الأوسط‌الثقافی، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق، ج ۶، ص ۱۷۲؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، مصحح: محمدالکاظم، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۴۲.

۱۱. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب‌الإسلامیه، چاپ ۱۰، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۷، ص ۴۱۷.

۱۲. طبری، محمد بن جریر، جامع‌البیان (تفسیرالطبری)، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۹، ص ۱۷۵؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۵۷۹؛ ابو الفتوح رازی، حسین بن علی، روض‌الجنان، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۶، ص ۱۶.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب‌الإسلامیه، چاپ ۱۰، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۷، ص ۴۱۸.

۱۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، مصحح: هاشم رسولی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۳۰۳.

* هادی غلامرضایی

معیار شوخی و خنداندن دیگران

شوخی و خنده با دیگران مانند حرکت بر زمین لغزنده است که هر آن احتمال دارد شخص زمین بخورد؛ تجربه نشان داده که فضای شوخی و خنده هم به همین شدت لغزنده است و ممکن است موجبات ناراحتی و دلخوری حاضرین را فراهم سازد؛ چنانکه بسیاری از دعواها و اختلافات شدید از یک شوخی ساده اتفاق افتاده است. همچنین موارد زیادی مشاهده می‌شود که شخص شوخی‌کننده خود را مجاز می‌داند تا برای خندان دیگران دست به هر کاری بزند یا غلبه هیجانات باعث می‌شود کنترل خود را از دست بدهد و هر حرف و اقدامی را انجام دهد تا دیگران را بخنداند یا از دیگران کم نیاورد. حال این سؤال پیش می‌آید که اگر شوخی کردن شخصی باعث ناراحتی و آزرده شدن حاضرین شود گوینده مسئولیتی دارد یا نه؟

اهمیت آبروی مؤمن

در فرهنگ دینی یکی از ارزشمندترین موضوعات و یکی از محترم‌ترین چیزها حرمت و آبروی مؤمن است که بسیار ارزشمند و حساس می‌باشد تا جایی که حرمت و احترام مؤمن از حرمت و احترام خانه کعبه مهم‌تر و عظیم‌تر شمرده شده است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله)خطاب به کعبه فرمودند: مَرْحَبًا بِالْبَيْتِ، ما أَعْظَمَكَ وَ أَعْظَمَ حُرْمَتَكَ عَلَى اللهِ! وَ اللهِ لَلْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنْكَ؛ لِأَنَّ اللهَ حَرَّمَ مِنْكَ واحِدَةً وَ مِنَ‌الْمُؤْمِنِ ثَلاثاً: مالَهُ وَ دَمَهُ وَ أَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنَّ السَّوْءِ؛ آفرین بر تو ای کعبه! چه بزرگی و چه بزرگ است حرمت تو نزد خدا! اما به خدا سوگند، حرمت مؤمن نزد خدا از تو بزرگ‌تر است؛ زیرا خدا از تو یک چیز را حرام کرده و از مؤمن سه چیز: مال او، خون او، و اینکه به او گمان بد برده شود.[۱] همچنین در ادبیات دینی اهمیت حفظ حرمت آبروی مؤمن همانند اهمیت حفظ جان و مال دانسته شده است. پیامبر می‌فرمایند: عِرْضُ‌الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ وَ مالِهِ؛ حرمت حیثیت و آبروی مؤمن همانند حرمت جان و مال اوست.[۲]

اهمیت نیازردن مؤمن

حال که مؤمن چنین ارزش و اهمیتی در درگاه خدا دارد طبیعتاً اذیت و آزار او هم در پیشگاه الهی بسیار امر ناپسند و خطرناکی خواهد بود و لذا امام صادق(ع) در مورد آزردن مؤمن می‌فرمایند: قَالَ‌اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَأْذَنْ بِحَرْبٍ مِنِّي مَنْ آذَى عَبْدِيَ‌الْمُؤْمِنَ؛ خداوند فرموده هر که بنده مؤمن مرا بیازارد باید با من اعلان جنگ کند.[۳]

حرمت تحقیر نکردن مؤمن

در بین شوخی و خنده‌ها بسیار پیش می‌آید که عمداً یا سهواً شخصی تحقیر یا مسخره می‌شود در حالی که امام صادق(ع) در مورد تحقیر و مسخره کردن مؤمن می‌فرمایند: مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِناً مُسْكِيناً أَوْ غَيْرَ مِسْكِينٍ لَمْ يَزَلِ‌اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ حاقِراً لَهُ ماقِتاً حَتّى يَرْجِعَ عَنْ مُحَقَّرَتِهِ إِيّاهُ؛ هر کس مؤمنی را- فقیر یا غیرفقیر- تحقیر کند، خداوند پیوسته او را خوار و دشمن می‌دارد تا از تحقیر او بازگردد.[۴]

نیز فرمود: مَنْ رَوى عَلى مُؤْمِنٍ رِوايَةً يُرِيدُ بِها شَيْنَهُ وَ هَدْمَ مُرُوءَتِهِ لِيَسْقُطَهُ مِنْ أَعْيُنِ‌النّاسِ، أَخْرَجَهُ‌اللهُ مِنْ وِلايَتِهِ إِلى وِلايَةِ‌الشَّيْطانِ، فَلا يَقْبَلُهُ‌الشَّيْطانُ؛ هر کس علیه مؤمن سخنی بگوید و قصدش عیب‌جویی و ریختن آبروی او باشد تا از چشم مردم بیفتد، خداوند او را از ولایت خویش بیرون رانده و به ولایت شیطان می‌سپارد؛ و شیطان نیز او را نمی‌پذیرد.[۵]

هدف مقدس، روش فاسد

درست است که در فرهنگ دینی خوشحال کردن دیگران خیلی ارزشمند و مهم است اما این هدف مقدس باعث نمی‌شود استفاده از هر وسیله و روشی توجیه شود و درست تلقی شود؛ بلکه این هدف مقدس وقتی ارزشمند است که از روش‌های صحیح استفاده شود و از محدوده شرعی و اخلاقی مانند تحقیر نشدن مؤمن یا اذیت نشدن او یا ریخته نشدن آبروی او یا... خارج نشود و الا ارزش کار خود را از دست می‌دهد.

بررسی شوخی ناراحت‌کننده

با توجه به آنچه بیان شد مشخص می‌شود که اذیت و آزار مؤمن و تحقیر و تمسخر او رفتاری غیر شرعی و غیر اخلاقی است هر چند با هدف شوخی و خنداندن دیگران باشد و قصد جدی برای اذیت و تحقیر نداشته باشد، چرا که خنداندن و شاد کردن دیگران مجوز انجام چنین کاری نیست. اگر رفتار شوخی‌کننده عمداً یا سهواً به گونه‌ای باشد که باعث اذیت و آزار یا تحقیر و تمسخر دیگری شود اخلاقاً و شرعاً مسئولیت به عهده اوست که باید طرف مقابل را راضی کند و اگر آبروی او از دست رفته جبران نماید.

ناراحتی افراد زودرنج

برخی افراد خیلی زودرنج و کم ظرفیت هستند و تحمل هیچ‌گونه شوخی را ندارند حتی اگر آن شوخی هیچ‌گونه تحقیر و تمسخر در آن نباشد بلکه به صرف اینکه در جمع یا حتی در تنهائی با آنها شوخی کنند ناراحت می‌شوند و زودرنج هستند؛ در چنین مواردی اگر واقعا شوخی و خنده هیچ‌گونه تحقیر و تمسخری در برنداشته باشد و موجبات آزار و اذیتی در آن نبوده و حاضرین شهادت می‌دهند که گوینده تقصیری ندارد و مخاطب کم ظرفیتی نشان داده است در این جا اخلاقاً مسئولیتی به عهده گوینده نیست هرچند احتیاط در این موارد هم بسیار به جا و سزاوار خواهد بود.

لزوم مشورت در موارد مشکوک

از آنجا که انسان حب نفس دارد معمولاً عیب‌ها و خطاهای خود را کمتر می‌بیند و سعی در توجیه رفتار خویش دارد لذا شایسته است در مواردی که اختلاف و ناراحتی پیش می‌آید برای تشخیص درست مقصر بودن خود و قضاوت صحیح، با افراد شایسته همچنین حاضرین در جلسه مشورت شود تا معلوم گردد آیا در ناراحت شدن مخاطب، تقصیری متوجه گوینده بوده یا نه؟

کوتاه سخن آنکه در فرهنگ دینی، آبرو و حرمت مؤمن جایگاهی بسیار والا دارد و آزار، تحقیر و ریختن آبروی او اموری به شدت نکوهیده‌اند.

از این رو، شوخی و خنداندن دیگران هرگز مجوز رفتار یا گفتاری نیست که موجب اذیت، تحقیر یا هتک حرمت دیگری شود؛ حتی اگر قصد شوخی‌کننده آزار نبوده باشد. در چنین مواردی، فرد باید مسئولیت رفتار خود را بپذیرد، رضایت شخص آزرده را جلب و در صورت لطمه به آبروی او، جبران کند. البته اگر شوخی متعارف و فاقد تحقیر و آزار باشد و ناراحتی صرفاً ناشی از زودرنجی مخاطب باشد، مسئولیتی متوجه شوخی‌کننده نیست. در موارد مشکوک نیز مشورت با افراد آگاه می‌تواند به تشخیص صحیح کمک کند.

علت اینکه ما خودمان بر پیامبر صلوات نمی‌فرستیم و از خدا می‌خواهیم این کار را انجام دهد، این است که صلوات به هر معنایی که باشد، رحمت، مغفرت، رفعت مقام و...، ما خودمان از آن بهره‌ای نداریم تا به دیگری ببخشیم؛ پس صلوات ما بناچار باید به صورت دعا و درخواست از خدا انجام شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار،تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار إحیاءالتراث‌العربی، دوم، ۱۴۰۳ق، ج: ۶۴، ص: ۷۱.

۲. تویسرکانی،محمد نبی بن احمد، لئالی‌الأخبار، ۵ جلد، قم، نشر علامه،۱۴۱۳ ه ق، ج: ۵، ص: ۲۳۴.

۳. کلینی، محمدبن یعقوب،الکافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ۸ جلد، تهران، اسلامیه، پنجم، ۱۳۶۳ش ، ج: ۲، ص: ۳۵۰.

۴. همان، ص: ۳۵۱ .

۵. همان، ص: ۳۵۸.

*سید حبیب حسینی